

فصلنامه تاریخ اسلام

سال چهارم، بهار ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۱۳، ص ۶۹-۸۴

علل دست‌گیری حسین بن روح نوبختی

طاهره عظیم‌زاده طهرانی*

حسین بن روح نوبختی که نزد امامیه به عنوان سومین نایب خاص امام دوازدهم علیه السلام معروف است، پنج سال از عمر خود را (۳۱۷-۳۱۲ ق / ۹۲۹-۹۲۴ م) در زندان مقتدر، خلیفه‌ی عباسی، به سر برد. این نوشته به بررسی علل دست‌گیری او می‌پردازد. در مورد دست‌گیری او دو علت مطرح شده است:

۱. عدم پرداخت اموالی که حکومت از او مطالبه می‌کرد؛

۲. همکاری با قرامطه.

در این مقاله علت اول تأیید و علت دوم رد شده است؛ علاوه بر آن، فرض سومی نیز با تکیه بر قراین مطرح شده است و آن این‌که، غالیان با کمک حکومت موجبات دست‌گیری حسین بن روح را فراهم کردند.

واژه‌های کلیدی: نواب امام دوازدهم علیه السلام، حسین بن روح، قرامطه، شلمغانی، ابن‌الفرات،

غالیان.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

به اعتقاد امامیه، حسین‌بن روح نوبختی در دوران غیبت صغرای امام دوازدهم علیه السلام حدود بیست و یک سال (۳۲۶ - ۳۰۵ ق / ۹۳۷ - ۹۱۷ م) به نمایندگی از طرف آن حضرت علیه السلام جامعه‌ی پر آشوب و بحرانی شیعه را رهبری کرد. پنج سال از این تاریخ، یعنی سال‌های ۳۱۷ - ۳۱۲ قمری / ۹۲۹ - ۹۲۴ میلادی را در زندان مقتدر، خلیفه‌ی عباسی، گذراند. در این نوشته علل دست‌گیری او را با توجه به اوضاع آن زمان و ویژگی‌های اخلاقی وی بررسی می‌کنیم تا از این رهگذر موضع‌گیری اجتماعی و سیاسی او نیز روشن گردد.

در ده سال نخست حکومت مقتدر، حسین‌بن روح هنوز به عنوان نایب خاص امام علیه السلام مشخص نشده بود. ایشان در این زمان مورد احترام دربار خلافت بود. یکی از عوامل این احترام موضع‌گیری محتاطانه‌ی حسین‌بن روح بود که سعی داشت خود را از شورش‌های آن دوران، چون قیام قرامطه، دور نگه دارد. دیگر این‌که وی به خاندان نوبخت منسوب بود که از روزگار منصور (خلافت، ۱۵۸ - ۱۳۶ ق / ۷۷۴ - ۷۵۳ م) در دستگاه عباسیان نفوذ داشتند و این اعتبار تا عصر خلافتِ مقتدر ادامه داشت. وزیر مقتدر در این زمان، ابوالحسن علی‌بن محمد، از خاندان فرات بود که در تاریخ به تشیع مشهورند.^(۱) از سخنان ابن مسکویه چنین بر می‌آید که ابن فرات در دوره‌ی نخست وزارت، سیاست جذب و جلب افراد را به خویش دنبال می‌کرد؛^(۲) بعید نیست که او، وسیله‌ی ارتباط نزدیک حسین‌بن روح با دربار خلافت شده باشد. هم‌چنین دختر محمدبن عثمان، نایب دوم، نقل کرده است: در این زمان اموالی از آل فرات به حسین‌بن روح می‌رسید.^(۳)

حسین‌بن روح چندی پس از انتصاب به نیابت خاص امام علیه السلام، مجبور شد مخفی شود. منابع امامیه از «استتار» او قبل از دست‌گیری سخن می‌گویند. زمان آن دقیقاً مشخص نیست، احتمالاً باید بین سال‌های ۳۰۶ قمری / ۹۱۸ میلادی تا ۳۱۱ قمری / ۹۲۳ میلادی، در دوران وزارت حامدبن عباس باشد. طول دوران اختفای وی و علت آن بر ما روشن نیست.

بنا به نوشته‌ی شیخ طوسی، در این دوران شلمغانی سفیر و رابط او با مردم بود.^(۴) ولی شلمغانی مدتی بعد به افکار حلولی و غلوگرایش یافت، و در نتیجه، حسین بن روح او را از مقامش برکنار کرد.

بنا به نقل منابع شیعه، حسین بن روح از ذی‌الحجه‌ی سال ۳۱۲ قمری / ۹۲۴ میلادی در زندان مقتدر به سر می‌برد.^(۵) ذهبی مورخ مشهور قرن ۸ قمری / ۱۴ میلادی نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ زیرا او مدت زندانی بودن حسین بن روح را پنج سال ذکر کرده و سال آزادی او را ۳۱۷ قمری / ۹۲۹ میلادی می‌داند.^(۶) علت دست‌گیری او در منابع شیعه نیامده، ولی در منابع تاریخی دو قول نقل شده است: یکی سخن عریب بن سعد (متوفی ۳۷۰ ق / ۹۸۰ م) است که علت دست‌گیری حسین بن روح را نپرداختن اموالی می‌داند که دیوان از وی خواسته بود.^(۷) سخن دیگر از ذهبی (متوفی ۷۴۸ ق / ۱۳۴۷ م) است که علت دست‌گیری حسین بن روح را ارتباط با قرامطه که در آن زمان بر بحرین و خلیج فارس مسلط بودند، معرفی می‌کند.^(۸)

قبل از بررسی این نظرات لازم است اشاره‌ای به وضع اجتماعی آن دوره داشته باشیم. حسین بن روح در زمان حکومت مقتدر دست‌گیر گردید؛ مقتدر در سیزده سالگی با کنکاش وزیر عباس بن حسن با رؤسای دیوان‌ها و پیشنهاد ابوالحسن بن فرات به خلافت رسید (ذی القعدة ۲۹۵ ق / اوت ۹۰۷ م) از آن جا که سن او کم بود و از «مال و دارایی کسی با خبر نبود» و نمی‌توانست مسائل را به تدبیر خودش حل کند،^(۹) دو بار بر ضد او شوریدند و سرانجام در طی شورش سوم به کوشش مونس مظفر، فرمانده سپاه، کشته شد (۳۲۰ ق / ۹۳۱ م).

در طول بیست و پنج سال خلافت مقتدر، دوازده وزیر انتخاب شدند که بعضی دو یا سه بار به وزارت رسیدند. در این سال‌ها، مصادره‌ی اموال به قدری رایج بود که ابوالحسن بن فرات، که سه بار وزارت مقتدر را به عهده داشت، دیوان مخصوصی برای درآمدهای مصادره‌ای ایجاد

کرد و پذیرفت که از این اموال، روزانه، مبلغی به خلیفه و مادر و فرزندانش بپردازد.^(۱۰) در این زمان، مقام وزارت به کسی داده می‌شد که قبول می‌کرد نیاز مالی حکومت را برآورد. معروف است خاقانی، وزیر دیگر مقتدر، در مدت بیست روز، هفت حاکم برای شهری تعیین کرد. اینان در بین راه به هم رسیدند، در حالی که معلوم نبود کدام‌یک بتواند این مقام را برای خود حفظ کند.^(۱۱)

در چنین اوضاعی، فشار اقتصادی، موجب شورش مردم و سپاهیان شد؛ به طوری که در سال ۳۰۷ قمری / ۹۱۹ میلادی، مقتدر مجبور شد دستور دهد تا انبارهای متعلق به وزیر، حامدبن عباس و مادرش و امرا و فرزندان خلیفه را گشوده، گندم و جو را با بهای ارزان بفروشند.^(۱۲)

ویژگی دیگر این دوران خیزش بسیار مشهور و فراگیر قرامطه است. در مورد اصل و منشأ این فرقه سخنان متضاد بسیاری گفته شده است که مجال پرداختن به آن نیست. در زمان مورد بحث، چند سالی از ظهور این فرقه می‌گذشت. آن‌چه مسلم است این که قرمطیان، در آغاز، دعوت به امامی از خاندان پیامبر ﷺ را شعار خود قرار داده بودند^(۱۳) که بعداً محمدبن اسماعیل نواده‌ی امام جعفر صادق ع معرفی گردید. زمانی که مقتدر به خلافت رسید، ابوسعید حسن بن بهرام جنابی، یکی از رهبران قرامطه، در بحرین قیام کرده بود (۲۸۶ق / ۸۹۹م). وی به کمک قبایل عبدالقیس و ربیعه شهر الاحسا را تسخیر کرد و حکومت قرامطه را تشکیل داد. ابوسعید در نامه‌ای به معتضد عباسی، علت قیام خود را «بیداد» و ظلم خلیفه دانست.^(۱۴) بعد از مرگ او در سال ۳۰۰ قمری / ۹۱۲ میلادی، ابوطاهر، رهبر قرامطه‌ی بحرین شد. وی به مقتدر نامه نوشت و در آن، سپاه خود را حزب خدا معرفی کرد.^(۱۵) قرامطه‌ی بحرین در دسرهای فراوانی برای عباسیان ایجاد کردند؛ حج را چند بار متروک کرده، حجرالاسود را ربودند.

هر دو اتهام نسبت داده شده به حسین بن روح، برخاسته از این شرایط بود. مسأله‌ی مطالبه‌ی اموال از حسین بن روح را - که عریب بن سعد مطرح کرده است - با توجه به آن چه ذکر شد، می‌توان پذیرفت؛ زیرا امامیه وجوهات شرعی خود را به او می‌پرداختند و اموالی از دور و نزدیک به او می‌رسید که شامل شمش طلا و نقره، اموال وقفی و غیره بود. بعدها از زبان راضی نیز، به ثروت زیاد گرد آمده نزد حسین بن روح پی می‌بریم. صولی می‌نویسد:

راضی همیشه به ما می‌گفت: بی‌میل نبودم هزار نفر مثل حسین بن روح وجود می‌داشت و امامیه اموال خود را به ایشان می‌بخشیدند تا خداوند به این وسیله آن طایفه را نیازمند می‌کرد. توانگر شدن امثال حسین بن روح با گرفتن اموال امامیه، چندان مراناً پسند نمی‌آید. (۱۶)

با توجه به ثروت حسین بن روح و این‌که یکی از منابع درآمد دولت، مصادره‌ی اموال بود، بعید نیست که حسین بن روح به خاطر نپرداختن اموال دستگیر شده باشد؛ ولی معمولاً کسانی که به خاطر اموالشان زندانی می‌گشتند، به زودی آزاد می‌شدند.

اتهام ارتباط با قرامطه - که ذهبی مطرح ساخته است - با توجه به شخصیت و ویژگی‌های رفتاری حسین بن روح، درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا وی معتقد به تقیه بود. سیاست تقیه بعد از زمان امام صادق علیه السلام به شدت در میان امامیه رواج داشت؛ به این معنا که ضمن همکاری نکردن با حکومت، به طور مستقیم نیز در قیام‌های ضد خلافت شرکت نمی‌کردند. حسین بن روح هم با وجود این‌که خلفا را غاصب حکومتی می‌دانست که صاحبان اصلی آن، یعنی ائمه را با زهر یا شمشیر کشته بودند،^(۱۷) سیاست تقیه را دنبال می‌کرد. وی حتی در جلسه‌ی مناظره‌ای، با پیش گرفتن تقیه در مقابل اهل سنت، توانست خود را از معرض ظن نجات دهد. وی یکی از دوستانش را که در جلسه‌ی مناظره حاضر بود و با جواب وی خنده‌اش گرفته بود، پنهانی سرزنش نمود. دوستش در جواب گفت: شنیدن این سخن از

نماینده‌ی امام تعجب‌آور است و موجب خنده می‌شود. حسین بن روح او را تهدید کرد که اگر بار دیگر این سخن را بگوید با او قطع رابطه خواهد کرد.^(۱۸) هم‌چنین شیخ طوسی نقل کرده است که وقتی حسین بن روح شنید یکی از دربانانش معاویه را لعنت می‌کند و به او ناسزا می‌گوید، او را از خدمت عزل کرد.^(۱۹)

مهم‌ترین صفت ابوالقاسم، حسین بن روح، رازداری بود؛ به طوری که ابوسهل نوبختی درباره‌ی او گفته است:

ابوالقاسم اگر امام [ع] را زیر دامن خود پنهان داشته باشد و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز چنین نخواهد کرد.^(۲۰)

با این اوصافی که ذکر شد، دستگیری حسین بن روح به عنوان قرمطی یا یاور آنان، تهمتی بیش نیست. اصولاً این حربه‌ای بود که در آن زمان برای بیرون کردن مخالفین از میدان، از آن استفاده می‌شد؛ مثلاً علی بن عیسی را ابوالحسن بن الفرات به ارتباط با قرامطه متهم نمود^(۲۱) و در سال ۳۱۲ قمری / ۹۲۴ میلادی خود ابوالحسن بن الفرات و فرزندش، محسن به همین جرم متهم و سپس اعدام شدند.^(۲۲)

فرض دیگری که می‌توان مطرح کرد با وجود این که صریحاً در منابع نیامده، این است که در دستگیری حسین بن روح، افرادی چون شلمغانی و محسن فرزند ابوالحسن بن فرات، دست داشته‌اند. در منابع تاریخی و امامیه تاریخ دقیق دستگیری و شخص دستگیرکننده‌ی حسین بن روح مشخص نشده است. در تاریخ الاسلام ذهبی فقط به تاریخ آزادی او از زندان، (۳۱۷ ق / ۹۲۸ م) و مدت حبس وی، (پنج سال) اشاره شده است که بر این اساس تاریخ دستگیری سال ۳۱۲ قمری / ۹۲۴ میلادی می‌باشد که در این زمان وزارت در دست ابوالحسن بن الفرات بوده است؛ پس دستگیری حسین بن روح در زمان حامد بن عباس نبوده است. برخی از نویسندگان معاصر چون عباس اقبال معتقدند که حسین بن روح در زمان

حامدبن عباس دستگیر شده است.^(۲۳) برای روشن شدن مطلب بازنگری مسائل تاریخی این دوره ضروری است.

مقتدر در جمادی الاخر سال ۳۰۶ قمری / ۹۱۸ میلادی وزارت را از ابوالحسن بن الفرات گرفت و به حامدبن عباس سپرد. حامدبن عباس چون از امر وزارت آگاهی نداشت، از علی بن عیسی کمک خواست و، در حقیقت، همه‌ی امور مربوط به وزارت در دست علی بن عیسی بن جراح قرار گرفت.^(۲۴) این دو نفر از پشتیبانان جدی اهل سنت و دشمن مخالفان این فرقه محسوب می‌شدند.^(۲۵) حامدبن عباس در زمان وزارت به آزار و اذیت ابوالحسن بن فرات و پسرش محسن پرداخت و آن‌ها را به پرداختن اموال زیادی مجبور ساخت؛ اما حامدبن عباس بعد از پنج سال از وزارت برکنار شد و مقتدر برای بار سوم وزارت را به ابوالحسن بن الفرات واگذار کرد.

در این زمان قرامطه به کاروان حجاج حمله کرده، جمعی را به قتل رساندند. محسن، بعد از حمله‌ی قرامطه به حاجیان، شلمغانی را به جای خود گماشت. این شلمغانی محمدبن علی بن ابی‌العزاقر است که ابتدا از یاران حسین بن روح نوبختی و سفیر او در زمان «استتار» بود.^(۲۶) شلمغانی در زمانی که حسین روح پنهان می‌زیست، یعنی در اواخر وزارت حامدبن عباس، به عقاید غلو گرایید و به تبلیغ در این زمینه پرداخت. گویا ابتدا قصد داشت خود را به جای حسین بن روح، نایب خاص امام زمان علیه السلام، معرفی کند، بعد فراتر رفت و دعوی نبوت و الوهیت کرد. وقتی خبر به حسین بن روح رسید، ابتدا برای بنی بسطام - قبیله‌ای که پیرو شلمغانی بودند - پیام فرستاد که از او دوری کنند، سپس نامه‌ای به آن‌ها نوشت و آنان را از پیروی شلمغانی نهی کرد. بنا بر نظر امامیه در ذی‌الحجه سال ۳۱۲ قمری / ۹۲۴ میلادی، در حالی که حسین بن روح در زندان بود، توقیعی از جانب امام دوازدهم علیه السلام بر ضد شلمغانی صادر شد.^(۲۷) انگیزه‌ی انحراف شلمغانی را، سودجویی و طمع در اموالی که شیعه به عنوان

سهم امام به نواب می‌دادند،^(۲۸) حسادت^(۲۹) و جاه‌طلبی سیاسی^(۳۰) دانسته‌اند، ضمناً زمینه‌ی پذیرش عقاید حلولی و غلو نیز در جامعه فراهم بود.

ابن مسکویه^(۳۱) در مورد قدرت یافتن شلمغانی و اقدامات محسن چنین می‌نویسد:

محسن، ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی العزافر را به جای خود گمارد. این شخص مدعی بود که لاهوت در او حلول کرده است، چنانکه حلاج چنین ادعایی کرده بود. محسن به او (شلمغانی) توجه داشت و او را جانشین خود در برابر عده‌ای از عاملان دستگاه خلیفه ساخت. محسن دوستی از اهل بصره داشت که باکی از خونریزی نداشت. عده‌ای را به ابن مرد بصری سپرد که در میان آنان نعمان عبدالله و عبدالوهاب بن ماشاء الله و مونس خدمت‌گزار حامد بن عباس [وزیر پیشین] بودند و او را مأمور کرد اموالی را که در دست آنان بود مطالبه کند. پس از وصول اموال، آنان را هم چون گوسفند سر بریدند. عده‌ای نیز پنهان بودند،^(۳۲) پس ابن الفرات به آنان نامه‌ای نیکو نوشت تا بیرون آمدند، سپس آن‌ها را دست‌گیر و اموالشان را مصادره کردند.

در این جا سؤالاتی مطرح می‌شود: یکی این‌که، اگر حسین بن روح در روزگار وزارت حامد بن عباس دست‌گیر شده بود، چرا زمانی که ابن فرات وزیر شد برای آزادی حسین بن روح اقدام نکرد؟ همان‌طور که ذکر کردیم، این خاندان به شیعه بودن مشهورند و اموالی را به حسین بن روح می‌رساندند. با توجه به این‌که اختیارات ابن فرات بسیار زیاد بود و در همین زمان توانست علی بن عیسی را، که از افراد با نفوذ دربار بود و در حکومت مقتدر، سه بار به وزارت رسیده بود، تبعید کند^(۳۳) و نیز توانست با زمینه‌چینی، مونس، فرمانده سپاه مقتدر، را از دربار خلافت دور کند.^(۳۴) در نتیجه، قدرت داشت که حسین بن روح را هم از زندان آزاد سازد. سؤال دوم این است که اگر حسین بن روح نوبختی در زمان وزارت حامد بن عباس دست‌گیر شده بود، چرا ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی - یکی دیگر از افراد خاندان نوبخت که با حکومت همکاری می‌کرد و نجاشی مقام او را هم پایه‌ی وزرا شمرده است -^(۳۵) او را

آزاد نساخت. ابوسهل اسماعیل بن علی تا مدت کوتاهی بعد از خلع حامد از وزارت زنده بود (تا شوال ۳۱۱ ق / ۹۲۳ م) و بنا به نوشته‌ی صابی، از طرف ابن‌الفرات مأموریت یافت که بقیه‌ی بدهی حامد بن عباس را مطالبه کند.^(۳۶)

این دو سؤال ما را به این موضوع رهنمون می‌شود که حسین بن روح در زمان حامد بن عباس دستگیر نشده، بلکه بعد از این تاریخ، یعنی در اواخر وزارت سوم ابن‌الفرات زندانی شده است. به نظر می‌رسد که با توجه به انحرافات که در شلمغانی پیش آمد و به غلو گرایید، ابن‌الفرات نیز پیرو او شد، این‌ها خلیفه مقتدر را با خود همراه کردند و با تحریک و تشویق شلمغانی، حسین بن روح را که بر ضد شلمغانی فعالیت می‌کرد به زندان انداختند. قراین زیر، این فرض را تقویت می‌کند:

الف) همان‌طور که ذکر شد، در دوران سوم ابوالحسن بن‌الفرات، محسن از شلمغانی درخواست همکاری نمود؛ و این زمانی بود که شلمغانی تغییر عقیده داده و حسین بن روح او را طرد کرده بود.^(۳۷) و با توجه به جاه‌طلبی شلمغانی، طبیعی بود که وی با رسیدن به قدرت در صدد گرفتن انتقام از رقیب خود، حسین بن روح برآمده و محسن را به دستگیری وی تشویق نماید.

ب) پیشینه‌ی خانوادگی ابن‌الفرات نیز این مسئله را تأیید می‌کند. پدر ابوالحسن علی بن محمد بن‌الفرات، محمد بن موسی بود که از محمد بن نصیر نمیری، یکی دیگر از غلات، پشتیبانی می‌کرد.^(۳۸) محمد بن نصیر نمیری ابتدا از پیروان امام حسن عسکری علیه السلام بود که بعد منحرف شد و به غلو گرایید. او معتقد بود روح خدا در علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام حلول کرده است. به نقل شیخ طوسی، وی بعد از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام ادعای مقام ابی جعفر محمد بن عثمان - نایب دوم - را نمود و مدعی شد که نایب امام دوازدهم علیه السلام است و چون با حمایت خاندان فرات توانست ادعای خود را در بین امامیه نشر دهد، فرقه‌ی

ایشان به نمیریة الفراتیه مشهور شد.^(۳۹) گفته شده که برادر ابوالحسن بن فرات وزیر، یعنی ابوالعباس احمد، که راوی و صحابی امام عسکری علیه السلام بود، به هنگام مرگ محمد بن نصیر نمیری به جانشینی او برگزیده شد.^(۴۰)

با توجه به نزدیکی آرای نمیری و شلمغانی و تفکر حلولی و غالی داشتن هر دو، بعید نیست که این خانواده (آل فرات) به شلمغانی کمک کرده باشند تا حسین بن روح را که بر ضد این عقاید برپا خاسته بود، از میدان علم دور کنند.

ج) تاریخ دستگیری حسین بن روح را هیچ یک از مآخذ قبل از سال ۳۱۲ قمری / ۹۲۴ میلادی ذکر نکرده‌اند^(۴۱) و همان طور که گفته شد، از ربیع‌الآخر سال ۳۱۱ قمری / ۹۲۳ میلادی وزارت در دست ابن فرات بود و حامد بن عباس در رمضان همان سال از دنیا رفته بود. تاریخ دستگیری با دوران وزارت ابن فرات مطابقت دارد.

د) ابن مسکویه، در مطلبی که از او نقل کردیم، ذکر می‌کند بعد از این که محسن، شلمغانی را به همکاری دعوت کرد، عده‌ای پنهان بودند، ابن فرات نامه‌ای نیکو به آن‌ها نوشت، وقتی از محل اختفای خود بیرون آمدند، آنان را دستگیر و اموالشان را مصادره کرد. به نظر می‌رسد که این حکم شامل حال حسین بن روح هم شده باشد؛ زیرا وی نیز مدتی مخفی بود.

از مطالب ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت که حسین بن روح در زمان حامد بن عباس دستگیر نشد، بلکه وی تا زمانی که ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی زنده بود، یعنی تا شوال سال ۳۱۱ قمری / ۹۲۳ میلادی آزاد بود. در این تاریخ حامد بن عباس از دنیا رفته بود و وزارت به دست ابن فرات افتاد. حسین بن روح در زمان وزارت حامد بن عباس، یعنی قبل از ربیع‌الآخر سال ۳۱۱ قمری / ۹۲۳ میلادی، به مبارزه با عقاید شلمغانی پرداخت و او در صد گرفتار انتقام از حسین بن روح برآمد؛ تا این که در زمان ابن فرات قدرت یافت و او و فرزندش محسن، شلمغانی را پشتیبانی و تقویت کردند. در نتیجه بعید نیست که دستگیری

حسین بن روح به تحریک شلمغانی صورت گرفته باشد.

در این جا این سؤال مطرح است که آیا مقتدر خلیفه‌ی عباسی هم با دست‌گیری حسین بن روح موافق بود یا نه و عکس‌العمل او چه بود؟ با مراجعه به منابع چنین به دست می‌آید که مقتدر بیش‌تر در فکر تحکیم قدرت خود بود، در ضمن به تشیع هم متمایل بود و بعداً به شلمغانی گرایش پیدا کرد و به طور غیر مستقیم از او پشتیبانی نمود؛ به طوری که موجب شد خشم درباریان، که به عقاید اهل سنت پایبند بودند برانگیخته شود. دلایل چندی این فرضیه را تقویت می‌کند:

یکی این که مقتدر مایل نبود که ابن الفرات به قتل برسد، ولی مجبور به این کار شد.^(۴۲) ثانیاً در شورش سال ۳۱۷ قمری / ۹۲۹ میلادی هنگامی که با مقتدر از حسین بن روح سخن گفتند، چنین گفت: «او را رها کنید که هر بلایی بر سر ما آمد از خطا کاری او بود».^(۴۳) عباس اقبال بعد از ذکر این سخن می‌نویسد: معلوم نشد که حسین بن روح در قضیه‌ی گرفتاری‌های مقتدر چه دخالتی داشته است و خلیفه به چه امری اشاره می‌کند.^(۴۴) در این مورد می‌توان حدس زد که سبب گرفتاری مقتدر، پشتیبانی‌اش از شلمغانی و موافقت با زندانی کردن حسین بن روح باشد؛ زیرا نخستین بار حسین بن روح، ارتداد شلمغانی را اعلام کرد^(۴۵) و بعدها مخالفت اهل سنت با شلمغانی آغاز شد؛ تا آن جا که شلمغانی مجبور شد بعد از قتل ابن الفرات از بغداد بگریزد و به موصل، نزد ناصرالدوله حسن بن عبدالله حمدانی پناه ببرد.

دلیل سوم که از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، دفاع مقتدر از حسین بن قاسم بن عبیدالله، از پیروان شلمغانی، است؛ به طوری که مقتدر بارها می‌خواست او را به وزارت برساند، ولی با مخالفت درباریان روبه‌رو می‌شد، تا این که در سال ۳۱۸ قمری / ۹۳۰ میلادی او را به دربار خواند و به او خلعت بخشید و شب در سرای خود نگه داشت. وقتی این خبر به گوش مونس، فرمانده سپاه مقتدر، رسید به مخالفت جدی با این کار برخاست؛ زیرا به نظر او حسین بن قاسم

شایسته‌ی وزارت نبود.^(۴۶) بالاخره با مخالفت مونس و دیگر درباریان، حسین بن قاسم در آن سال وزارت نیافت؛ ولی کمی بعد، خلیفه یکی از دیوان‌های مهم را به او سپرد^(۴۷) و سرانجام با طرح نقشه‌های عوام‌فریبانه و توسل به پیش‌گویی به نام دانیالی، حسین بن قاسم به وزارت رسید (۳۱۹ ق / ۹۳۱ م) و چون مردم به عقاید وی مشکوک بودند، سوگند یاد کرد که مسلمان و متعهد است و هر چه بر ضد او و مذهبش گفته‌اند دروغ است.^(۴۸) ابن مسکویه روابط دوستانه و نزدیک مقتدر با حسین بن قاسم را به خوبی بازگو می‌کند، تا آن‌جا که خلیفه لقب عمیدالدوله بدو داد و از غذای مخصوص خود برایش فرستاد.^(۴۹) البته وزارت حسین بن قاسم دوام نیاورد و با مخالفت روبه‌رو شد و برکنار گردید. از مطالب ابن مسکویه (د. ۴۲۱ ق / ۱۰۳۰ م) چنین به نظر می‌رسد که وزارت حسین بن قاسم، یار شلمغانی، در کودتای سال ۳۲۰ قمری / ۹۳۲ میلادی بر ضد مقتدر هم تأثیر داشته و سبب تحریک مونس و افراد دیگر به مخالفت با خلیفه گردیده است.

بعد از مقتدر، خلیفه قاهر (۳۲۲ - ۳۲۰ ق / ۹۳۴ - ۹۳۲ م) حسین بن قاسم را به خاطر پیوندش با شلمغانی، به شهر رقه در سوریه تبعید کرد. وی هم‌چنین یاران او، به ویژه بنی بسطام، را دستگیر کرد و اموال آن‌ها را مصادره نمود.^(۵۰) این دستگیری‌ها تا هنگام خلافت راضی (۳۲۹ - ۳۲۲ ق / ۹۴۰ - ۹۳۴ م) ادامه یافت، تا این‌که راضی شلمغانی را همراه با چند تن از دیگر رهبران حرکت، هم‌چون ابراهیم بن ابی‌عون و احمد بن عبدوس دستگیر کرد. خلیفه از این دو خواست تا از شلمغانی بیزاری جویند و سرانجام شلمغانی را همراه ابن ابی‌عون اعدام کردند (۳۲۲ ق / ۹۳۴ م).^(۵۱) حسین بن قاسم نیز در همان سال در محل تبعیدش (رقه)، به علت همکاری با شلمغانی اعدام شد.^(۵۲)

پی‌نوشت‌ها:

۱. الطوسی، الغیبه، ص ۳۷۲.
۲. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۴؛ ابن طقطقی، تاریخ فخری، ص ۳۶۴.
۳. الطوسی، همان، ص ۳۷۲؛ جاسم حسین در کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۹۸، از قول جهشیاری نقل می‌کند که حسین بن روح زمانی مسئول املاک خالصه‌ی خلیفه بود؛ ولی با مراجعه به کتاب الوزرا و الکتاب جهشیاری چنین خبری دیده نشد. در واقع کتاب جهشیاری به وزرا تا زمان مأمون پرداخته است. نیاز به ذکر است که کتاب مورد استفاده‌ی ما چاپ بغداد بود، ولی جاسم حسین از چاپ قاهره مطلب خود را نقل کرده است. در ضمن از این کتاب ترجمه‌ای هم از ابوالفضل طباطبایی در دست است، اما در آن هم چنین خبری نبود.
۴. الطوسی، همان، ص ۳۰۳ و ۳۲۴.
۵. همان، ۳۰۷.
۶. الذهبی، تاریخ الاسلام، ص ۱۹۱.
۷. قرطبی، دنباله‌ی تاریخ طبری، ص ۶۹۲۶.
۸. الذهبی، همان، ص ۱۹۱.
۹. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۳.
۱۰. همان، ص ۴۲.
۱۱. همان، ص ۴۲.
۱۲. همان، ص ۷۲، ۷۳.
۱۳. ابن جوزی، تلبیس ابلیس، ص ۸۳؛ ابن العدیم، تاریخ اخبار القرامطه، ص ۷؛ زریاب خویی، بزم آورد، شصت مقاله...، ص ۴۷۷.
۱۴. حمیدی، نهضت ابوسعیدگنا و ه‌ای، ص ۱۱۱.
۱۵. ابن مالک، کشف اسرار الباطنیه و اخبار القرامطه، ص ۳۴-۳۵.
۱۶. الصولی، اخبار الراضی و المتقی لله، ص ۸۷.
۱۷. الطوسی، همان، ص ۳۸۸.
۱۸. همان، ص ۳۸۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۷.
۱۹. الطوسی، همان، ص ۳۸۶.
۲۰. همان، ص ۳۹۱.
۲۱. عربین سعد، ص ۶۸۹۷.

۲۲. ابن مسکویه، همان، ج ۱، ص ۱۲۶؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۵، ص ۸۲.
۲۳. اقبال، *خاندان نوبختی*، ص ۹۹.
۲۴. ابن مسکویه، همان، ج ۱، ص ۵۹.
۲۵. اقبال، همان، ص ۹۹.
۲۶. الطوسی، همان، ص ۳۰۳، البته قول دیگری در کتاب *الغیبه* وجود دارد که شلمغانی را فقط فقیهی معرفی می‌کنند که کفر و الحادش آشکار گشت و هرگز سفیر نبود. (همان، ص ۴۸).
۲۷. الطوسی، همان، ص ۴۱۰ - ۴۱۱.
۲۸. قزوینی، *الامام المهدی من المهد الی الظهور*، ص ۲۰۰.
۲۹. نجاشی، *الرجال*، ص ۲۹۳؛ الصدر، *تاریخ الغیبه الصغری*، ص ۵۱۴.
۳۰. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ص ۲۰۰.
۳۱. ابن مسکویه، همان، ج ۱، ص ۱۲۳.
۳۲. پیش از این از «استتار» حسین بن روح در این زمان سخن گفتیم، احتمالاً حسین بن روح نیز جزء این عده بوده است.
۳۳. ابن مسکویه، همان، ج ۱، ص ۱۱۳؛ ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۷۸.
۳۴. ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۷۹.
۳۵. نجاشی، همان، ص ۲۳.
۳۶. الصابی، *تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء*، ص ۴۱ - ۴۲.
۳۷. ابن مسکویه، همان، ج ۱، ص ۱۲۳؛ ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۱۶۶؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۵ و ۶، ص ۲۸۱.
۳۸. الطوسی، همان، ص ۳۹۸؛ الطوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، ص ۵۲۱.
۳۹. جاسم حسین، همان، ص ۱۶۸.
۴۰. سجادی، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۳۸۳.
۴۱. الطوسی، همان، ص ۳۰۵؛ اقبال، همان، ص ۲۱۸.
۴۲. ابن مسکویه، همان، ج ۱، ص ۱۳۶ - ۱۳۷.
۴۳. الذهبی، همان، ص ۱۹۱؛ اقبال، همان، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.
۴۴. اقبال، همان، ص ۲۱۹.
۴۵. ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۱۶۵؛ الذهبی، *العبر*، ج ۲، ص ۱۹۰.
۴۶. ابن مسکویه، همان، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴۷. همان، ص ۲۱۲.

۴۸. همان، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۴۹. همان، ص ۲۲۳.

۵۰. همان، ص ۲۶۷.

۵۱. الذهبی، همان، ج ۲، ص ۱۹۱؛ یاقوت الحموی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۵۲. سرخسی، انباء الانبیاء (کتاب خطی): الذهبی، همان، ج ۲، ص ۱۹۲.

منابع:

- ابن اثیر، عزالدین علی؛ **الکامل فی التاریخ**، تحقیق علی شیری، (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۹م) ج ۵.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، **تلبیس ابلیس**، ترجمه ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸).
- _____؛ **المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم**، (الدکن، دایرة المعارف العثمانیه، ۱۳۵۷) ج ۵ و ۶.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا؛ **تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولتهای اسلامی**، ترجمه ی محمد وحید گلپایگانی (تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷).
- ابن العبری، غریغوریوس ابوالفرج؛ **تاریخ مختصر الدول**، ترجمه ی محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی (تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴).
- ابن العدیم، ثابت بن سنان؛ **تاریخ اخبار القرامطه**، تحقیق سهیل زکار (بیروت، دارالامانه، ۱۳۹۱ق / ۱۹۷۱م).
- ابن مالک، محمد بن مالک بن ابی الفضائل؛ **کشف اسرار الباطنیه و اخبار القرامطه** (مصر، ۱۳۵۷ق، ۱۹۳۹م).
- ابن مسکویه، ابو علی احمد بن محمد؛ **تجارب الامم**، (مصر، شركة التمدن الصناعیه، ۱۳۳۳ق / ۱۹۱۴م) الجزء الاول.
- الاشعری، علی بن اسماعیل؛ **مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین**، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید (القاهره، مكتبة النهضة المصریه، ۱۳۶۹ق / ۱۹۵۰م) الجزء الاول.
- اقبال، عباس؛ **خاندان نوبختی** (تهران، ظهوری، ۱۳۴۵).
- الجهشیری، محمد بن عبدوس؛ **کتاب الوزرا و الکتاب** (بغداد، المكتبة العربیه، ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸م).
- جهشیری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس؛ **الوزرا و الکتاب**، ترجمه ی ابوالفضل طباطبایی، مقدمه ی زین العابدین

راهنما، تهران، ۱۳۴۸).

- حسین، جاسم؛ **تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم**، ترجمه‌ی محمدتقی آیت‌اللهی (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷).

- حمیدی، جعفر؛ **نهضت ابوسعید گناوه‌ای** (تهران، رسا، بی تا).

- زریاب خویی، عباس؛ **بزم آورد، شنست مقاله درباره تاریخ و فرهنگ و فلسفه** (تهران، علمی، ۱۳۶۸).

- الذهبی، محمدبن احمدبن عثمان؛ **تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام حوادث و وفیات ۳۲۱ - ۳۳۰**،

تحقیق عمر عبدالسلام تدمری (بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م).

- _____؛ **العبر فی خبر من غیر**، تحقیق فواد سید، (الکویت، ۱۹۶۱) الجزء الثاني .

- سجادی، صادق؛ «آل فرات»، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، ج ۴.

- سرخسی، ابو نصر زهیرین حسین؛ **انباء الانبیاء**، کتاب خطی آستان قدس رضوی، شماره ۴۰۸۰.

- الصابی، ابی الحسن الهلال بن المحسن الصائبی؛ **تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء**، تحقیق عبدالستار احمد فراج

(قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۸).

- الصدر، محمد؛ **تاریخ الغیبه الصغری** (اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۳۶۲).

- الصولی، ابوبکر محمد بن یحیی؛ **اخبار الراضی بالله و المتقی لله او تاریخ الدوله العباسیه بین سنه ۳۲۲ الی سنه**

۳۳۳ من کتاب الاوراق، تصحیح ج هیورث. دن (لندن، مدرسه اللغات الشرقيه، ۱۳۵۴ق / ۱۹۵۳م).

- الطوسی، محمد بن حسن؛ **کتاب الغیبه**، تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح (قم، مؤسسه المعارف

الاسلامیه، ۱۴۱۱ق).

- _____؛ **اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی**، تصحیح و تعلیق حسن المصطفوی

(مشهد، دانشگاه، ۱۳۴۸).

- غالب الطویل، محمد امین؛ **تاریخ العلویین** (بیروت، دارالاندلس، ۱۳۸۶ق / ۱۹۶۶م).

- قرطبی، عرب بن سعد؛ **دنباله تاریخ طبری**، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴).

- قزوینی، محمد کاظم؛ **الامام المهدي من المهدی الی الظهور** (بیروت، الوفاء، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م).

- مجلسی، محمد باقر؛ **بحار الانوار، الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار**، (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق /

۱۹۸۳م) ج ۵۱.

- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی؛ **الرجال** (بمبئی، ۱۳۱۷ق).